



عنوان مقاله:
تاریخ در حال تکرار
از توجیحات حقوق بشری تا تهدید «عصر حجر» در
تجاوز آمریکا به ایران

نویسنده:

محمود رشنواز

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل ، واحد امارات، دانشگاه
آزاد اسلامی ، دبی، امارات

(عضو مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضاییه)

۱۴۰۵/۰۱/۱۶

تاریخ عبرت آیندگان است؛ عموماً بیشتر جنگ‌ها در طول تاریخ بشری با توجیهات اخلاقی و قانونی متجاوزین شروع شده است. متجاوز همیشه مدعی است در صدد احقاق حقی است از دست رفته، مدعی است جهت نجات بشریت اقدام می‌کند و درگیر ادعاهایی که صرفاً جهت موجه جلوه دادن تجاوز خود به آن متوسل می‌شود. ایران در سیر تحولات سیاسی و اجتماعی خود، از این دست تجاوزها کم ندیده است، چه کشتارهای بزرگی که بر ایران تحمیل شده و چه فجایعی که بر این ملت بزرگ در طول تاریخ وارد نشده است. از خرابی شهرها، مساجد، سوزاندن کتابخانه‌ها، کشتن زنان و کودکان همگی از نتایج این تجاوزات در طول تاریخ بوده است. با این حال ملتی با این فرهنگ و اندیشه‌ی کهن، همیشه زنده و استوار مانده است و ضمن اخراج بیگانگان، حکومت‌هایی بر پایه‌ی فرهنگ غنی ایرانی صلح و پیشرفت را بنا نهادند که الگوی سایر ملل جهان بوده است. این بار و در تجاوز اخیر آمریکائی - صهیونی، تاریخ در حال تکرار است، مستکبری قلدر و خونریز و کودک کش به مانند چنگیز و تیمور و اسکندر، در راه ایران است، موضوع کاملاً مشخص است، این متجاوزین به دنبال تسخیر جهان و منابع و منافع کشورها هستند و در ابتدای کار این تسخیر نیازمند برطرف کردن موانع بزرگ است؛ ملت ایران با استقلال و اقتدار خود مانع این گسترش سلطه در جهان است، دشمن با اتکای بر نیروی نظامی خود، اهداف بلندپروازانه‌ای در سر می‌پروراند. دولت ایالات متحده‌ی امریکا و رژیم صهیونیستی در فکر ائتلافی برای تسلط بر خاورمیانه هستند. خود را دارای اهدافی مشترک می‌دانند و برای جهان خط و نشان می‌کشند و بدون هیچ گونه دلیلی و با وقاحت اقرار به عدم قبول و عدم رعایت حقوق بین الملل می‌نمایند اما باید برای این تجاوز توجیهی بسازند: کمک به مردم ایران، آزادی و رهایی ملت ایران، این بار توجیهی است مبتنی بر آموزه‌های حقوق بشری و اندیشه‌های حاصل از دموکراسی، سخت بتوان باور کرد، این متجاوزین با صرف این همه هزینه نظامی، اقتصادی و سیاسی، قصد کمک به مردم ایران را داشته باشند. رئیس دولت ایالات متحده‌ی امریکا در آرزوی چهل ساله‌ی خود برای دستیابی به نفت خاورمیانه، این توجیهات را در دی‌ماه ۱۴۰۴ برای تجاوز به ایران عنوان می‌دارد. گویی خود را منجی میدانند و عجب که اقلیتی، نجات بخش بودن اقدامات نظامی اخیر را باور دارند و منتظر آزادی و مساعدت‌های ترامپ و نتانیاهو هستند. باز اما تاریخ در حال تکرار است و وطن فروشان، خائنین و مزدوران دست به کار شده اند.

هر چه از تجاوز آمریکائی - صهیونی در ایران می‌گذرد، کمک‌ها رنگ می‌بازد، آزادی ناپدید می‌شود و اسارت در تمام جغرافیای ایران بیشتر القاء می‌گردد، این کمک‌ها در حال گسترش است، به کودکان و غیر نظامیان حمله گردیده، زنان و دانش آموزان بی محابا کشته شده، منازل مسکونی آسیب‌دیده، زیرساخت‌های حیاتی کشور و مردم تخریب شده، ناامنی و رخوتی که در حال توسعه است، ایرانیان در همه جا این کمک‌ها را حس می‌کنند، آن را می‌بینند و گاهی نیز خود مشمول این کمک‌ها هستند.

ترامپ که سه ماه پیش به مردم ایران وعده داده بود «کمک در راه است، در حال حاضر بعد از یک ماه از تجاوز غیرقانونی اش، کمک‌ها را از یاد برده و اعلام می‌دارد: «اگر توافقی حاصل نشود، ما تک تک نیروگاه‌های تولید برق ایران را به شدت و احتمالاً همزمان هدف قرار خواهیم داد» ادبیات کمک‌رسانی کاملاً تغییر کرده است؛ متجاوز در میانه‌ی جنگ مانند چهارپایان در گل وامانده است و هر روز بر تهدیدات خود می‌افزاید، او که امید به همراهی اقلیتی خائن، وطن فروش و جوانانی فریب خورده در ایران برای تغییر رژیم و تجزیه بود، اکنون پس از آگاهی جوانان به ماهیت مفسد و دروغگوی او صرفاً بر ابزار نظامی خود تکیه دارد، تهدید می‌کند به اینکه با تخریب زیرساخت‌ها، ایران و ایرانیان را به عصر حجر باز خواهد گرداند. حال مقایسه کنید کمک را با تهدید به عصر حجر، رئیس دولت متجاوز می‌گوید ترامپ: در دو یا سه هفته آینده به ایران ضربات بسیار سختی خواهیم زد و ایران را به عصر حجر باز خواهیم گرداند وزیر جنگ دولت امریکا پیت هگست، از اصطلاح «بازگشت به عصر حجر» به صراحت استفاده می‌کند. این همان کمکی است که برخی خائنین، وطن فروشان و فریب خوردگان منتظر آن بودند و با اغتشاش‌های خود، دشمن دیوانه را راغب به تجاوز نمودند و طمع تسلط بر ایران را در آن‌ها زنده ساخته‌اند و ایران در نقطه‌ی عطف دیگری از خود در تاریخ ایستاده است.

بعد از سی و پنج روز از تجاوز غیرقانونی آمریکائی - صهیونی علیه ملت ایران، دبیرکل فدراسیون بین‌المللی جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر در گزارش خود اعلام می‌دارد: «در ایران، وضعیت بشردوستانه به سرعت در حال وخامت است. در طول تقریباً یک ماه، بیش از ۱۹۰۰ نفر، از جمله زنان و کودکان، جان خود را از دست داده‌اند و دست کم ۲۰'۰۰۰ نفر نیز مجروح شده‌اند. از جامعه بین‌المللی می‌خواهم با نشان دادن همبستگی، از این فراخوان اضطراری و عملیات جاری در ایران حمایت کنند.» و اما چه عجیب است رفتار سران کشورهای جهان، جهانی که در حال شکل‌دهی به یک نظم نوین بود، جهانی که در حال تکوین و تدوین حقوق برای حیوانات بود، در حال حاضر با قلدرهایی مواجه است که نزدیک به ۱۰۰ میلیون انسان را تهدید به نابودی و بازگشت به عصر حجر می‌کنند و هیچ کدام از این سران کشورها، به خود جرات مخالفت لفظی هم نمی‌دهد، سازمان‌های بین‌المللی نیز در این آزمون، به گونه‌ای بازنده شده‌اند که به نظر نمی‌رسد بتوانند اعتبار از دست رفته‌ی خویش را بازیابند. چگونه می‌شود سازمان ملل متحد با هدف صلح تشکیل گردد ولی به این تهدیدات بی‌توجه باشد؟ این همه دیوانگی، تجاوز و کودک‌کشی را دنیا می‌بیند ولی دم بر نمی‌آورد، بله مرگ برای همسایه نیست، روزی نوبت به تمامی ملت‌هایی خواهد رسید که در این برهه از تاریخ سکوت کردند و اجازه‌ی گردن‌کشی به متجاوزان دادند. ملت ایران ثابت کرده است دشمنی با دیگر ملت‌ها ندارد و تاب تحمل زورگویی را نیز نمی‌آورد. رئیس‌جمهور دولت ایران در نامه‌ای خطاب به مردم آمریکا عنوان می‌دارد: ایران هرگز جنگی را آغاز نکرده است/ ایران هیچ‌گونه دشمنی با شهروندان آمریکایی ندارد. این دیدگاه در میانه‌ی تجاوز وحشیانه به سرزمین ایران، نشان از عظمت و بزرگی مردمی است که در حال دفاع از استقلال و موجودیت خویش است و حقوق بشر ادعا شده را در کمال خود

می‌پذیرد و بدان پایبند است. ایران درس بزرگی به جهانیان خواهد داد و متجاوز را در باتلاقی غرق خواهد کرد که بیرون آمدن از آن سال‌ها برای آن‌ها هزینه خواهد داشت، جهنمی که قصد دارند بسازند، خود در آن وارد خواهند شد. این تجاوز حاصل محاسباتی نادرست و مشاوره‌ها و اعمال نفوذهای نابخردانه صهیونیست‌های کودک کش بود که دولت و نظامیان آمریکا را فریب داد و منجلابی خاص ناشدنی فرو برد.

راهبرد غلط ترامپ در پیشبرد جنگ، محاسبات اشتباه در اثر فریب صهیونی و مشاوران مغرض

شروع تجاوز علیه ایران در اسفند ماه ۱۴۰۴ به امید پیروزی سریع و برق‌آسای یک هفته‌ای با امید همراهی عده‌ای خائنین، وطن‌فروشان و مزدوران داخلی و گروه‌های تجزیه‌طلب، برنامه‌ای بود که دشمن امریکائی - صهیونی به دنبال آن بود. این هدف بعد از ۵ هفته از تجاوز به خاک ایران، هر روز دست‌نیافتنی‌تر می‌شود، نیروهای نظامی آمریکا، شروع به تهدید کرده‌اند مبنی بر تخریب زیرساخت‌ها و مصادیقی از این اقدامات را نیز در برخی شهرها به نمایش گذارده‌اند مانند تخریب پل بی ۱ در کرج، حمله به فولاد مبارکه و پتروشیمی ماه‌شهر، به نظر می‌رسد هدف از این تجاوزات، آن است که خود را مصمم جلوه دهند و قصد جدی خود را به نمایش گذارند. این در حالی است که بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند ترامپ، کنترل جنگ را همچون عقلش از دست داده است، شروع به تهدید کرده و اهدافی را بمباران می‌کند که هیچ‌سختی با برنامه‌های او پیش از حمله به ایران ندارد، او در چندین اولتیماتوم به ایرانیان مبنی بر تخریب برق و دیگر زیرساخت‌ها، ضرب‌الاجل‌های خود را تمدید کرده است، راجع به آخرین ضرب‌الاجل ترامپ، نشریه پولیتیکو معتقد است: «جدول زمانی «۲ تا ۳ هفته‌ای» ترامپ برای پایان جنگ ایران چیز جدیدی نیست این الگوی تکراری ترامپ، یعنی ارائه جدول زمانی کوتاه و سپس تغییر آن، در این جنگ نیز ادامه یافته و اغلب با واقعیت‌های میدانی و پیچیدگی‌های درگیری همخوانی ندارد.» کاملاً مشخص است که شرایط جنگ ایران با آنچه ترامپ آرزویش را دارد، متفاوت است. خبرگزاری نیویورک بر این عقیده است که: «دونالد ترامپ و پیت هگست شاید آرزو کنند در جهانی زندگی می‌کردند که هر کسی بیشترین بمب را می‌اندازد، به هر چه می‌خواهد می‌رسد اما این جنگ نشان داده که چنین چیزی درست نیست.» به واقع ترامپ و اطرافیانش در حال حضر هیچ ابزار دیگری برای رسیدن به اهداف خود ندارند مگر سلاح و مهمات نظامی، نه همراهی مردم را در داخل دارند و مهمتر از همه، همراهی متحدان خود را نیز بر خلاف جنگ‌های پیشین مانند جنگ عراق از دست داده‌اند. چنان از ناتو و اروپائیان نه شنیده‌اند که آن‌ها را سردر گم کرده است. حتی در بین افسران ارشد نظامی آمریکا نیز مخالف‌ها با شروع و ادامه‌ی جنگ منجر به جابجائی‌ها یا استعفا شده است؛ چنانکه وزیر دفاع آمریکا از ژنرال رندی جورج، رئیس ستاد ارتش، درخواست کرده است که استعفا داده و فوراً بازنشسته

شود. پیش از این نیز ژنرال کین، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا قبل از آغاز تجاوز آمریکا به ایران، نسبت به عواقب این اقدام نظامی و طولانی شدن مدت آن، به ترامپ هشدار داده بود.

یکی از بزرگترین شکست‌های آمریکا در این تجاوز، شکست در عرصه‌ی همراهی ناتو و کشورهای اروپایی در همراه ساختن آنان با خود بود. ترامپ از تمام متحدان خود و از تمامی کسانی که امید کمک داشت، نه شنید؛ او با اعتماد به نفسی باورنکردنی تصور می‌کرد اروپائیان لاقبل برای رسیدن به نفت و انرژی، در بازگشائی تنگه‌ی هرمز به او یاری خواهند رساند. این در حالی است که این اتفاق رخ نداد، به اشکال مختلف کشورها اروپایی این جنگ را همراهی نکردن و این عدم همراهی نشان از غیرقانونی و احمقانه بودن این تجاوز دارد.

نشریه‌ی گاردین معتقد است روابط ترامپ و استارمر به دلیل جنگ علیه ایران بدجور شکرآب شده است. این نشریه عنوان می‌دارد: «روابط استارمر با ترامپ آن قدر بد است که باید به دنبال متحدان دیگر باشد. بعد از تمسخرهای اخیر ترامپ، سخت است که ببینیم این رابطه بهبود یابد.» این در حالی است که نخست وزیر انگلیس به ترامپ گفته است هرچقدر هم که فشار بر من و دیگران باشد، هرچقدر هم سر و صدا باشد، من در تصمیماتی که می‌گیرم به منافع ملی بریتانیا عمل خواهم کرد.»

دیگر قدرت بزرگ اروپایی یعنی فرانسه نیز بارها از ورود این کشور به تجاوز علیه ایران امتناع کرده است؛ مکرون اظهار داشته است: «نمی‌توان ترامپ را جدی گرفت؛ چراکه او بارها اهداف خود را در جنگ با ایران تغییر داده است. رئیس‌جمهور فرانسه گفت: وقتی جدی هستیم، هر روز ضدِ حرفی که روز قبل زده‌ایم را نمی‌گوییم؛ شاید بهتر باشد آدم هر روز صحبت نکند.» اروپائیان به عینه، راهبرد ترامپ را اشتباه می‌دانند و او را به بی‌خردی متهم می‌کنند. فرانسه هرگونه عملیات نظامی برای آزادسازی تنگه هرمز را غیر واقعی خواهد دانست و حتی ناتو را از عملیات در تنگه‌ی هرمز منع می‌کند. وزیر دولت فرانسه در خصوص عدم ورود ناتو به تنگه‌ی هرمز اعلام می‌کند: ناتو یک اتحاد برای امنیت اروپا و اقیانوس اطلس است، نه برای انجام عملیات در تنگه هرمز بر خلاف قوانین بین‌المللی. وزیر مشاور در امور ارتش فرانسه نیز در واکنش به اظهارات جدید ترامپ گفته است: ناتو اتحادی برای امنیت اروپا و آتلانتیک است و نباید عملیاتی در تنگه هرمز برخلاف قوانین بین‌المللی انجام دهد. در واقع یک تحلیل ساده نشان می‌دهد که راهبرد ترامپ در ورود به جنگ با ایران چه اندازه اشتباه بوده است.

عدم همراهی با ترامپ چنان جسورانه در سخنان اروپائیان به چشم می‌خورد که تا به حال سابقه نداشته است؛ اروپائیان تاریخ را عبرت خود می‌دانند. نخست وزیر اسپانیا اظهار داشت: «۲۳ سال پیش ما را به جنگ با عراق کشانید، اما هیچ سلاح هسته‌ای پیدا نشد شما نمی‌توانید ما را دو بار فریب دهید!! وحشی‌ها!» این عنوان به حق لایق ترامپ و اهالی اپستین است که این جنگ وحشیانه را به راه انداخته‌اند. متحدان آمریکا البته توجیه دیگری نیز برای این عدم همراهی دارند، نشریه وال استریت ژورنال در این خصوص می‌گوید: در اروپا، هیچ کشوری برای باز کردن تنگه هرمز که در نتیجه جنگ بدون مشورت ترامپ، به کنترل ایران درآمده، دست به جنگ نخواهد زد.

جنگی که به اقتصاد و امنیت خودشان آسیبِ عظیمی وارد کرده است. کشورهایی که نیاز به بازگشائی تنگه‌ی هرمز برای تامین انرژی خود دارند معتقدند اگر پس از جنگ، تنگه هرمز در اختیار ایران باقی بماند، اروپایی‌ها نتیجه خواهند گرفت که آمریکا شکست خورده و ایران پیروز شده است و برای دستیابی به نفت و گاز خلیج فارس، تلاش خواهند کرد با پیروز میدان کنار بیایند. ژاپن، کره جنوبی و دیگر کشورها نیز همین انگیزه را خواهند داشت. با این اوصاف احمقانه بودن این جنگ در نظر نخبگان سیاسی نظامی جهان، امری ثابت شده است که نمی‌تواند مورد انکار قرار گیرد.

سارا لانگول، نویسنده مشهور آمریکایی در واکنش به سخنرانی اخیر ترامپ که مهلت سه هفته‌ای را برای رسیدن به اهدافش تعیین کرد اظهار می‌دارد: «این سخنرانی احمقانه بود رئیس جمهور ما یک دیوانه است در ضمن، او شبیه یک ابله به نظر می‌رسد واقعا آدمی ست با ضریب هوشی پایین نسبت به این همه دیوانگی بی تفاوت نباشید.» این الفاظ رکیک نه از زبان یک ایرانی آسیب دیده خارج شده است و نه از زبان شهروندی معمولی در آمریکا، این دشنام‌ها از سوی اندیشمندان امریکائی نثار، رئیس جمهور ایالات متحده است که عنوان شده است. در پاسخ به این عدم همراهی جهانی با اندیشه‌های احمقانه‌ی ترامپ، او به رسم همیشگی خود شروع به تهدید ناتو و کشورهای اروپائی کرده است، او تهدید کرده است که: «در صورت عدم موافقت کشورهای اروپایی با پیوستن به ائتلافی برای تأمین امنیت تنگه هرمز، ارسال سلاح به اوکراین را متوقف خواهد کرد.» ترامپ با گلایه مجدد از نپیوستن ناتو به جنگ ایران اظهار داشت: «ما تریلیون‌ها دلار برای ناتو هزینه می‌کنیم، و وقتی به آنها نیاز داریم، که البته هرگز [نیازی] نداریم، آنها به ما کمک نمی‌کنند. متحدان بسیار بدی در ناتو داریم. آنها یک ببر کاغذی هستند.»

حتی ابزارهای به اصطلاح قانونی مانند شورای امنیت نیز این بار در اختیار دولت ایالات متحده‌ی آمریکا قرار نگرفت؛ طبق گزارش نیویورک تایمز، روسیه، چین و فرانسه مانع از ابتکاری از سوی کشورهای عربی برای جلب تصویب شورای امنیت سازمان ملل جهت اقدام نظامی علیه ایران به منظور بازگشایی تنگه هرمز شده‌اند.. آمریکا به جهت انتخاب اشتباه خود، تنها در میانه‌ی جنگی وامانده است، نه قدرت پیروزی دارد، نه به اهداف خود رسیده است تا اعلام اتمام جنگ را نماید. متجاوزی که خود را چنگیز خان می‌دانست و درصدد فتح سرزمین پارس و منابع آن بود حالا برای عبور نفتکش‌ها و باز شدن تنگه‌ی هرمز که البته پیش از باز بود، دیوانه وار تهدید می‌کند.

بازگرداندن جامعه‌ی جهانی به عصر حجر (عصری که حقوق بین‌الملل در آن نبود)

و اما سخن از تهدید به بازگشت به عصر حجر است، باید دید این تهدید راجع به چه کسانی و در چه موضوعاتی است. به نظر می‌رسد از یک جنبه این تهدید تحقق یافته باشد. در عصر حجر ما نه روابط جهانی داشتیم و نه حقوق بین‌الملل، نه از آموزه‌های حقوق بشری نشانی بود و نه قواعد حقوق بشردوستانه تدون شده بود. هر قدرتی

می توانست از تمام توان خود برای ضربه به دیگران بهره گیرد، مخاصمات بی رحمانه بود و بردگی و اسارت، شکنجه و نسل کشی امری معمول در تقابلات بین گروه های انسانی محسوب می شد. جهان پیش از جنگ امریکا و اسرائیل علیه ایران، با انبوهی از مقررات و کنوانسیون های بین المللی و نهادهای علمی حقوق بین الملل، به خود می بالید که در حال تشکیل نظامی نوین در جهان است، بعد از تجاوزهای صورت گرفته، تجاوزی که بدون هیچ مجوزی از هیچ نهاد بین المللی انجام شد، حتی همراهی نظری و تئوری قواعد بین المللی را نیز با خود همراه نداشت، جهان به ضعف خود در این عرصه واقف شد، جامعه ی بین المللی فهمید، به عصر حجر بازگردانده شده است. عصری که صرفا قدرت تو است که می تواند از تو محافظت کند، هیچ حد و مرزی برای مخاصمات به صورت الزام آور و تضمین شده وجود ندارد.

تجاوزات غیرقانونی و وحشیانه آمریکائی - صهیونی به تمامیت سرزمینی جمهوری اسلامی ایران در جنگ اخیر، را می توان به عنوان یکی از بزرگترین مصادیق از نقض قواعد و حقوق بین الملل موضوعه و عرفی در تاریخ معاصر قلمداد نمود. این متجاوزین، به نظر می رسد تصمیم دارند تمامی موجودیت و محتوی نظام حقوق بین الملل را در تجاوزات خود به سخره بگیرند و عملا اعلام می دارند، هر قاعده ی حقوقی بین المللی که در طول سالیان اخیر توسط نهادهای بین المللی تصویب و لازم الاجرا شده است یا اینکه در قالب عرف بین المللی در نظم جهانی معرفی شده است، از جانب این تجاوزکاران کودک کش قابل نقض می باشد. اینان هیچ ارزشی برای صریح ترین و بدیهی ترین قواعد بین المللی قائل نیستند. البته که این مسئله را در نخستین روز از تجاوز خود در کشتار کودکان مدرسه ی میناب به اثبات رساندند و به جامعه ی جهانی اثبات کردند که نمی توانند با ابزارهای حقوقی، مانع از سلطه طلبی و زیاده خواهی خود شوند. این متجاوزین سلطه طلب به دنبال منابع انرژی، از بین بردن حاکمیت های مستقل و گسترش نفوذ خود هستند، هر ابزاری در این مسیر برای آنان مشروع است، ابزارهای این متجاوزین اعم است از شعارهای حقوق بشری، یاری رسانی به مردم ایران تا کشتار کودکان، غیرنظامیان و نیز تجاوز به مراکز غیرنظامی درمانی و آموزشی، ورزشی و زیرساخت ها، مهم رسیدن به اهداف است چنانکه رئیس جمهور دولت ایالات متحده ی امریکا بعد از یک ماه از شروع این تجاوز، هدف خود را دستیابی به نفت می داند و مخالفانش را احمق می خواند که ارزش نفت را درک نمی کنند. اینان چنان ارزشی برای منابع انرژی قائل اند که می تواند تمامی خشونت ها و نقض های حقوق بشری و حقوق بشردوستانه را برای آنان موجه بداند.

یک کاربر خارجی در تحلیل این موضوع اظهار می دارد: « ایران ملتی است که از زمان شروع جنگ چیزی جز حقیقت نگفته است، آنها قبل از پرتاب بمب به غیرنظامیان هشدار می دهند زیرا اهداف آنها نهادی، استراتژیک و اقتصادی هستند؛ نه خون آلود. این همان چیزی است که شرافت در نبرد به نظر می رسد. سخنان آنها با رفتارشان مطابقت دارد. باعث تاسف من است که بگویم نهاد آمریکایی/صهیونی که در حال حاضر در کاخ سفید و کنگره ساکن است، نمی تواند همین را بگوید.

جنگ با ایران ممکن است آغازگر یک عصر جدید هسته‌ای باشد.» چنانکه پیش بینی شده است بعد از عصر هسته‌ای ما به عصر حجر باز خواهیم گشت. لزوماً این اتفاق هسته‌ای در این جنگ ممکن است رخ ندهد ولی چنانکه رسانه آمریکایی بلومبرگ اعلام می‌دارد: «تمایل دونالد ترامپ به حمله به دشمنان، در حالی که متحدان را نیز نگران کرده، ممکن است جهان را به سمت یک عصر جدید هسته‌ای سوق دهد. از اقیانوس اطلس شمالی تا غرب اقیانوس آرام، دولت‌ها بیش از گذشته به صورت علنی در حال بحث هستند که آیا آن‌ها هم باید به سلاح هسته‌ای دست پیدا کنند یا نه» جهان متوجه شده است که حقوق بین‌الملل ناکارآمد است و نمی‌تواند تامین‌کننده‌ی امنیت آن‌ها باشد و یعنی نظم جهانی به عصر حجر بازگردانده شده است.

آسیب‌های جدی به اقتصاد جهانی، گسترش فقر، از بین رفتن امنیت غذایی

در حالیکه جهان از بحران‌های بزرگ انرژی و امنیت غذایی رنج می‌برد. تجاوز غیر قانونی آمریکا علیه ایران و ایجاد ناامنی در تنگه‌ی هرمز باعث شد است افق اقتصاد جهانی چنان تاریک و تحت تاثیر این جنگ قرار گیرد که امید به بازسازی آن حتی پس از جنگ نیز میسر نباشد. تحلیلگران اکنون هشدار می‌دهند، حتی اگر این درگیری به پایان برسد، احتمال رسیدن قیمت نفت به ۲۰۰ دلار در هر بشکه وجود دارد. نه تنها ایرانیان از کمکه‌های ترامپ برخوردار نشدند بلکه سایر مردم جهان نیز به جهت گرانی سوخت و انرژی، دچار مشکلات فراوانی شده‌اند که نشانه‌ی آن اعتراضات در شهرهای ایالات متحده‌ی امریکاست. برخی از کشورها از این مسئله بسیار آسیب دیده‌اند و نگرانی عمیقی نسبت به آینده دارند.

وال استریت ژورنال در خصوص هزینه‌ی این جنگ صرفاً در بخش انرژی بیان کرده است: جنگ علیه ایران هزینه اتحادیه اروپا برای سوخت را حدود ۱۶ میلیارد دلار افزایش داد. قیمت گاز طبیعی حدود ۷۰٪ و قیمت نفت حدود ۶۰٪ رشد کرده است. رئیس‌جمهور کره جنوبی که این بحران را عمیقاً حس می‌کند، در اظهار نظری عنوان داشته است که هر قطره سوخت را ذخیره کنید. نویسنده آلمانی و تحلیلگر بازارهای مالی برای بیان میزان آسیب این جنگ به اقتصاد جهانی اعلام داشته است که: جنگ ایران باعث کاهش ۱۲ تریلیون دلاری ارزش بازارهای جهانی شده؛ یعنی بیشتر از ارزش کل اقتصادهای آلمان، ژاپن و بریتانیا با هم! این بحران‌ها صرفاً یک ماه پس از جنگ علیه ایران شروع شده است. آینده‌ی اقتصاد جهان تاریک است و این همان ارمغانی است که ترامپ برای مردم جهان با خود آورده است.

غول‌های بزرگ اقتصادی در جهان، به جهت کاهش یا تعطیلی فعالیت‌های آن‌ها در کشورهای منطقه‌ی خلیج فارس، متحمل زیان‌های فراوانی شده‌اند چنانکه ارزش سهام مایکروسافت در یک ماه اخیر و بعد از شروع جنگ تحمیلی، از حدود ۳۹۸.۵۵ دلار در ابتدای مارس به ۳۶۹.۳۷ دلار در ۱ آوریل رسیده است. این یعنی کاهش

درصدی. این موضوع سبب گسترش بیکاری، فقر، تورم و دیگر مشکلات اجتماعی است که به دنبال آن خواهد آمد. بزرگترین سقوط بازارهای آسیا از سال ۲۰۰۸ در جریان این جنگ ثبت شده است. با توجه به اینکه یک چهارم تجارت جهانی کودهای نیتروژنی و ۲۰٪ آلان جی از این مسیر عبور می کنند. قیمت کود از آغاز جنگ ۴۰٪ بالا رفته است. این افزایش قیمت کود عامل افزایش قیمت غلات و از بین رفتن امنیت غذایی را سبب خواهد شد. همراهی نکردن سران کشورهای اروپایی و دیگر متحدان با آمریکا، مبتنی بر واقع بینی این کشورها از آیندی جهان است چنانکه اکنون شاهد درماندگی ترامپ در اداره و پایان جنگ هستیم.

استیصال ترامپ در پایان جنگ و عدم دست یابی به اهداف

به هر حال این جنگ باید خاتمه یابد، حال ترامپ به دنبال راهی برای خروج آبرومندانه و البته پیروزمندانه از این تجاوز است. او بارها اعلام پیروزی کرده است، بارها تاکید کرده که ایران نابود شده، رژیم ایران تغییر کرده و ... از سوی دیگر از مذاکره سخن می گوید، تهدید می کند و عملیات نظامی را در بازه های زمانی مختلف تمدید می کند. این استیصال و درماندگی چیزی جز شکست نیست. به وضوح آمریکا و دولت ترامپ، در برون رفت از این بحران ناتوان هستند و هر روز سعی می کنند، بیشتر ضربه بزنند. ضرباتی که فقط روند جنگ را طولانی می کند، هدفی برآورده نمی شود و مشکلات جدیدی بروز می کند. سقوط جنگنده ها در خاک ایران، گم شدن خلبان ها، تلاش برای یافتن آنان و دیگر رخدادهای نظامی، همگی مشکلاتی است جدید که نیاز به راهکاری جدید دارد و این یعنی فقط طولانی شدن جنگ، آسیب دیدن منطقه و اقتصاد جهانی، چیزی که می تواند فشارها بر ترامپ را افزایش دهد. ترامپ در حال حاضر شروع به تخریب و نابودی زیرساخت ها می کند: پل ها، پتروشیمی، اسکله ها و ... برنامه هایش در حال نابودی اقتصاد کشورهای منطقه است، شرکت های آمریکائی در خلیج فارس، موضوعی اقدامات تلافی جویانه قرار می گیرند. در واقع به قول مولانا:

هر لحظه که می کوشم در کار کنم تدبیر
رنج از پی رنج آید زنجیر پی زنجیر

به وضوح اقدامات ترامپ بخصوص در هفته های اخیر جنگ به قول لس آنجلس پست که اظهار می دارد تهدیدهای ترامپ برای هدف قرار دادن تأسیسات آب در ایران که می تواند جنایت جنگی باشد. این اقدامات موجب نگرانی بیشتر منطقه است. برخی کشورهای حوزه خلیج [فارس] نگرانی شدید خود را نسبت به چنین اقدامی به واشینگتن منتقل کرده اند؛ زیرا هدف قرار دادن زیرساخت های غیرنظامی می تواند باعث تشدید درگیری و واکنش های تلافی جویانه ایران در منطقه شود. در واقع آمریکایی که در پی سلطه بر خاورمیان بود در حال حاضر به دنبال آتش بس شرافتمندانه است. ترامپ قصد دارد مذاکره را بر ایران پیروز تحمیل کند. حال اگر سابقه ای او در برهم زدن مذاکرات وجود نداشت، می شد او را جدی گرفت و این حربه برای او می توانست کارساز باشد. ترامپ دوبار زیر میز مذاکره زد و جهان متوجه این خیانت او قرار گرفت. او نمی تواند ایران را متهم کند به عدم گفتگو. شروط

او برای مذاکره از غیرواقع‌بینانه است و حتی با اظهارات خود او نیز همخوانی ندارد. او آگاه به مکتب و ایدئولوژی ایرانی در دفاع از خود نیست، فرهنگ مقاومت را نمی‌فهمد؛ هر چند سعی می‌کند نسخه‌ی ناقصی از آن را در داخل برای نظامیان‌ش تجویز کند؛ وزیر جنگ آمریکا می‌گوید سربازان آمریکایی برای «عیسی» می‌جنگند؛ پاپ می‌گوید نه. وزیر جنگ آمریکا، از مردم آمریکا خواسته تا هر روز برای پیروزی نظامی در خاورمیانه «به نام عیسی مسیح» دعا کنند. اما در پاسخ، پاپ لئوی چهاردهم گفته: سلطه نظامی کاملاً با راه عیسی مسیح بیگانه است. عیسی به دعای کسانی که به دنبال جنگ هستند گوش نمی‌دهد. این شیوه از تاسیس ایدئولوژی در بین مردم آمریکا نشان از بلاهت موسسان آن است.

تدابیر نظامی آمریکا نیز در پیشبرد و خاتمه‌ی جنگ مانند تصرف جزایر و اعزام نیروهای زمینی به ایران چنان نابخردانه است که با مخالفت کارشناسان و افسران ارشد نظامی آمریکا نیز مواجه شده است. مورفی، سناتور آمریکایی بیان می‌کند احتمالاً [دلیل اخراج] ژنرال‌های باسابقه این است که آن‌ها به وزیر جنگ آمریکا گفته‌اند نقشه‌های او برای جنگ با ایران غیر عملی، فاجعه‌بار و مرگبار است. سث مولتون، نماینده مجلس نمایندگان آمریکا: دولت ترامپ نمی‌داند چگونه از مخمصه خارج شود؛ آن‌ها نمی‌دانند چطور به جنگ با ایران پایان دهند. هیچ رهبری در جهان، ترامپ و صحبت‌هایش را درک نمی‌کند و چیزی از سخنان او متوجه نمی‌شود. ادعای چندین باره‌ی پیروزی او و نابودی نیروهای هوایی ایران، در حالی است که سی‌ان‌ان معتقد است: «بیشتر سکوهای پرتاب موشکی ایران همچنان سالم باقی مانده است. بر اساس ارزیابی‌های اخیر منابع اطلاعاتی آمریکا، با وجود بمباران‌های روزانه ایالات متحده و اسرائیل طی پنج هفته گذشته، بیشتر سکوهای پرتاب موشکی ایران همچنان سالم باقی مانده و هزاران پهپاد انتحاری نیز همچنان در زرادخانه کشور وجود دارد. این در حالی است که ترامپ و نتانیاهو بارها مدعی نابودی توان موشکی ایران شده‌اند.» علاوه بر مشکلات اساسی و اولیه در حمله به ایران، مسلماً مشکلاتی جدید نیز بر این اقدام نظامی ابلهانه ایجاد خواهد شد. این مشکلات حتی اگر قابل پیش‌بینی هم بوده باشند، وضعیت را پیچیده‌تر می‌کنند. وضعیت به گونه‌ای پیش خواهد رفت که امکان خروج آبرومندان را از آمریکا خواهد گرفت.

حمله به زیرساخت‌ها، بازگرداندن به عصر حجر، دیوانگی ناشی از شکست

ترامپ بعد از قول‌های مساعدت خود نسبت به مردم ایران و ایجاد آزادی و امنیت و رهایی برای آنان، حال به این ورطه سقوط کرده است که حق حیات ایرانیان را تهدید می‌کند. تهدید به تخریب زیرساخت‌های برق و پل‌ها، چیزی جز ایجاد رنج گروهی برای مردم نیست. این اقدام یعنی نسل‌کشی و ایجاد شرایط دشوار زندگی که تمام با عنوان مجرمانه‌ی نسل‌کشی، جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت همخوانی دارد. تهدید یک ملت به برگرداندن آنان به عصر حجر، تهدید به نسل‌کشی است، البته برای آنان که می‌اندیشند، این اقدامات و این سخنان حجتی

است بر باطل بودن عقیده‌ی دشمن. این دشمن خونخوار به صراحت بیان داشته است: «اگر به هر دلیلی در آینده نزدیک با ایران توافق نشود یا تنگه هرگز فوراً باز نشود، ما با نابودی کامل تمام نیروگاه‌های برق، چاه‌های نفت و جزیره خارک (و احتمالاً تمام کارخانه‌های آب شیرین کن) که عمداً هنوز به آن دست نزدیم، عملیات خود در ایران را به پایان خواهیم رساند.» کاملاً بدیهی است این ایجاد رنج برای مردمی است که در انتظار کمک بوده‌اند. بازسازی زیرساخت‌ها برعهده‌ی بودجه‌ی عمومی خواهد بود که باید مصروف رفاه و پیشرفت مردم باشد. ترامپ برای نشان دادن جدید بودن تهدید خود اقدام به حمله به پل بی ۱ در کرج نمود. کنت راث، استاد دانشگاه پرینستون آمریکا در این خصوص بیان داشت: برخی تحلیلگران و ناظران بین‌المللی می‌گویند برای حمله آمریکا به یک پل بزرگ در ایران «هیچ توجیه نظامی معقولی» دیده نمی‌شود. این انتقادات پس از حمله به پل در حال ساخت B ۱ در کرج مطرح شده است. به گفته منتقدان، نخستین مسئله این است که پل هنوز در حال ساخت بوده و بهره‌برداری نشده بود؛ بنابراین مشخص نیست چگونه می‌توانسته کاربرد فوری نظامی داشته باشد.

ترامپ جنایتکار به حمله پل B ۱ افتخار کرد و اظهار داشت: بزرگترین پل در ایران در حال فروریختن است و دیگر از آن استفاده نخواهد شد. نتانیاهو نیز در تبعیت از حامی بزرگ خود اظهار می‌دارد: ما فرماندهان را ترور می‌کنیم، پلها را بمباران می‌کنیم و زیرساخت‌ها را هدف قرار می‌دهیم با هماهنگی کامل بین من و ترامپ، و بین ارتش اسرائیل و نیروهای نظامی ایالات متحده، به حمله به ایران ادامه خواهیم داد. این اظهارات وقیحانه‌ی نتانیاهو را در کنار اظهارات او برای تامین آب در ایران قرار دهید که سال قبل وعده‌ی آن را داده بود. فعال حقوق بشر و نماینده ECOSOC سازمان ملل این اقدام را در این چنین برای جهانیان معرفی می‌کند: «تصور کنید اگر ایران پل گلدن گیت در کالیفرنیا را بمباران و تخریب کند، آن را چه می‌نامید؟ تروریست‌ها. آمریکا بلندترین پل ایران، پل B ۱، را بمباران و ویران کرد، چرا شما آن را «صلح» می‌نامید؟ بمباران پل طبق قوانین جنایت جنگی است.» این همان کمک‌هایی است که در حال رسیدن است.

ظهور قدرت جهانی، تغییر نظام تک قطبی و اضمحلال کخندائی دهکده‌ی جهانی

بیتشر تحلیل‌گران چنانکه خواهیم گفت بر این عقیده‌اند که جنگ علیه ایران، قدرت خفته‌ی ایرانیان را بیدار کرد و آن‌ها را به معادلات جهانی وارد خواهد کرد. چنانکه رابرت پیپ، مشاور پنتاگون اظهار می‌دارد: «ایران از این جنگ به عنوان ابرقدرت بیرون می‌آید. ایران از این درگیری بیرون می‌آید، و ما در طول عمرمان هرگز چنین چیزی ندیده‌ایم: یک مرکز جدید قدرت جهانی که ظرف یک ماه شکل گرفته است.» این استاد دانشگاه همچنین در اظهار نظری دیگر بیان می‌دارد که: تا ۳۳ روز پیش جهان ۳ قدرت کانونی داشت؛ آمریکا، روسیه و چین اما اکنون ایران چهارمین قدرت کانونی جهانی است، بیدار کردن قدرت نظامی کشوری که ۲۰٪ ذخایر نفت و گاز جهان را داراست بزرگترین اشتباه آمریکا بود. ایران قدرت بیدار شده‌اش را از دست نمی‌دهد. این جنگ نشان داد

ایران از قابلیت‌های بزرگی به نام همراهی مردم، کنترل بر بازار انرژی جهان و برخورداری از نیروی موشکی قدرتمند برخوردار است. خبرگزاری رویترز اعلام می‌کند: جنگی که با هدف درهم شکستن ایران به راه افتاد، می‌تواند تهران را قدرتمندتر کند و آن را به‌عنوان یک قدرت «تسخیرناپذیر» تثبیت کند. ایران می‌تواند سال‌ها تنگه‌ی هرمز را کنترل کند. رابرت پیپ، استاد علوم سیاسی دانشگاه شیکاگو توضیح می‌دهد که چگونه آمریکا و اسرائیل ایران را به یک ابرقدرت تبدیل کرده‌اند.

موضوع کشورهای بزرگ نیز بر همین تحلیل استوار است، چنانکه چین اظهار داشته چنانچه جنگ علیه ایران ادامه یابد تنگه‌ی هرمز هرگز به ثبات نخواهد رسید. تحلیل‌گران بر این عقیده‌اند که مولفه‌هایی مانند عزت ملی و ایدئولوژی چگونه می‌تواند مانع بزرگ در مسیر هرگونه سلطه‌جویی و قمار باشد. همچنین این جنگ چنانکه گفتیم ایران را به مرکز جدید قدرت جهانی بدل خواهد کرد که می‌تواند معادلات جدیدی را شکل دهد و دشواری‌های زیادی برای جامعه‌ی سلطه‌طلب آمریکا و نظام تک قطبی محسوب شود.

خروج از این جنگ چنانکه بارها گفته شده است تنها در اختیار ایران است. ایران از این نبرد سخت به شکلی قدرتمندتر بیرون خواهد آمد. ایران در حال حاضر در موضوع قدرت است چرا که: ۱- کنترل تنگه‌ی هرمز را در اختیار دارد. ۲- تحریم نفت ایران رفع شده است. ۳- ایران ساخت سلاح هسته‌ای را بنا به فتوای رهبری انقلاب نامشروع می‌دانست و احتمالاً این روند تغییر کند. ۴- پایگاه‌های آمریکا در منطقه که دهه‌ها برای ایجاد و تاسیس آن تلاش شده بود در حال نابودی هستند. ۵- وعده‌های ترامپ برای کنترل قیمت انرژی و تورم، اجرائی نشد. تمامی این مولفه‌ها بیانگر دست برتر ایران در این جنگ است. وضعیتی که صرفاً آمریکا را وادار به مذاکره می‌کند و ایران می‌تواند از موضعی دیگر وارد شود، موضعی که می‌تواند تهدید آمریکا و اسرائیل را نسبت به ایران برای همیشه از بین ببرد.



Title :

History Repeats itself
From human rights justifications to the
"Stone Age" threat of US aggression
against Iran the

writer:

Mahmoud Rashnavaz

Doctoral student of International Law, Emirates
Branch, Islamic Azad University, Dubai, UAE

member of the center of lawyers, official experts
and consultants of the judiciary

2026/04/05